

حمید فروحی

وکیل پایه یک دادگستری

Lien یا «حق توقیف مال برای جبران هزینه طلبکار» در حقوق آمریکا و مقایسهٔ اجمالی آن با «حق توقیف اموال» در حقوق ایران

بعد از صدور بیانیهٔ الجزایر در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲۵ که منجر به تشکیل دادگاهی تأسیسی با نام «دادگاه - دعاوی داوری ایران و ایالات متحدهٔ آمریکا» برای حل و فصل دعاوی اتباع دو کشور علیه دو دولت و همچنین دعاوی دولت‌های ایران و آمریکا علیه یکدیگر گردید - شرکت گوله مارکتینگ اینکوریپرتید جانشین و قائم مقام قانونی شرکت هوفمن اکسپرت کورپوریشن (که از این بعد در این مقاله «خواهان اصلی» نامیده خواهد شد. بابت نقض تعهدات و طلب‌های وصول نشدهٔ خود در دو دادخواست جداگانه علیه وزارت دفاع و دولت جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوی کرد که به شماره ۴۹ در دیوان داوری در شهر لاهه کشور هلند ثبت گردید.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران نیز متعاقباً حسب مقررات دیوان داوری علیه خواهان اصلی اقامه دعوی متقابل کرد که به شماره ۵۰* ثبت آن دیوان شد. قسمتی از ادعای متقابل وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران مربوط به وسایل و

* - دعاوی اصلی و متقابل متعاقباً بنا بر تصمیم دیوان با یکدیگر ادغام و ملاً منتهی به صدور حکم به مبلغ قابل توجه و بازگرداندن کلیهٔ تجهیزات و دستگاه‌ها به نفع دولت و وزارت دفاع جمهوری اسلامی گردید. برای مطالعهٔ متن انگلیسی دعاوی فوق به کتاب‌های ذیل مراجعه شود.

دستگاه‌ها و لوازم الکترونیکی بود که وزارت دفاع ادعا کرده بود جهت تعمیر وفق قرارداد برای شرکت خواهان اصلی ارسال ولی آن شرکت پس از تعمیر از اعاده آنها خودداری کرده است.

در برابر این قسمت از ادعای وزارت دفاع، شرکت خواهان اصلی به دفاع پرداخته و اعلام کرد که اموالی را که وزارت دفاع جهت تغییر و تعمیر نزد او ارسال داشته طبق قانون مدنی ایالات متحده و ایالت کالیفرنیا و طبق قاعده «Lien» یا «حق توقیف مال برای جبران هزینه طلبکار یا فروشنده یا پیشه‌ور» نگه داشته و ضبط کرده است و ادعا کرد که خواهان تا حدودی که بتواند بعضی از اموال فوق‌الذکر را به فروش و مصرف برساند، طبق «قانون جبران حق‌الزحمه فروشنده» «Lien» بهای آن را به حساب بستانکاری خوانده (وزارت دفاع) منظور خواهد کرد.

در اینجا شرکت گوله مارکتینگ اینکورپوریتد چنین وانمود می‌کرد که او این حق را داشته است که جهت استیفای هزینه‌های انجام شده و برای جبران مخارج بعمل آمده بابت تعمیر و تغییر دستگاه‌ها و لوازم ارسالی وزارت دفاع مبادرت به ضبط و تأمین و توقیف آن اموال به نفع خود (بدون دستور و یا حکم دادگاه) کند و این حق را قانون مدنی ایالات متحده آمریکا و ایالت کالیفرنیا که قوانین حاکم بر قرارداد تنظیمی فی مابین اصحاب دعوی بوده است به رسمیت شناخته و به او اعطا کرده است.

حقوقدانانی که با سیستم حقوقی «حقوق نوشته»^{*} خوی گرفته و پرورش یافته این نوع سیستم حقوقی هستند و از سنت‌ها و قواعد و اصول حقوقی سیستم قضایی حاکم بر ایالات متحده آمریکا و همچنین اصول و قواعد «کامن لا»^{**} بی‌اطلاع هستند مسلماً با رجوع به قوانین حاکم بر «حقوق نوشته» که تقریباً در همه این کشورها از جمله ایران با اندک اختلافی تدوین گردیده است، عمل شرکت خواهان اصلی در قبال وزارت دفاع را نوعی خیانت در امانت تلقی می‌کنند. مثلاً چنانچه این عمل در ایران اتفاق می‌افتاد و وزارت دفاع بعضی از دستگاه‌ها و لوازم خود را جهت تعمیر و یا تغییر (با قرارداد و یا بدون قرارداد و بدون اینکه در مقدار و یا نحوه پرداخت حق‌الزحمه تعمیر و یا تغییر،

- Civil law system.

- Common law.

توافقی حاصل می‌گشت) نزد تعمیرکار ارسال می‌کرد، پس از تعمیر چنانچه وزارت دفاع مطالبه آن دستگاه‌ها و لوازم را می‌کرد، قوانین مالی و حقوقی ایران این اجازه را به تعمیرکار نمی‌داد که جهت مطالبه حق‌الزحمه خود «عین مال» را نزد خود توقیف کند و چنانچه تعمیرکار «عین مال» را پس از مطالبه وزارت دفاع مسترد نمی‌کرد، وزارت دفاع همین که مالکیت خود را در مراجع قضایی اثبات می‌کرد (صرف نظر از ادعای هزینه‌های انجام شده از طرف تعمیرکار) می‌توانست تعمیرکار را به دلیل عدم استرداد مال امانی تحت تعقیب کیفری قرار دهد. بدیهی است در مانحن‌فیه، تعمیرکار نیز می‌توانست طبق اصل استیفا جهت مطالبه هزینه‌ها و مخارج خود به دادگاه حقوق مراجعه کند و حتی می‌توانست با نظر دادگاه نسبت به توقیف و تأمین و سپس فروش عین مال به منظور استیفای حقوق خود اقدام کند.

تعریف و سابقه تاریخی (Lien) یا «حق توقیف مال» در حقوق آمریکا

با این توصیف چیزی که هست، تعمیرکار مذکور در حقوق ایران طبق یک اصل و قانون از پیش تعیین شده و یا بدون مراجعه و دریافت دستور و یا حکم دادگاه نمی‌تواند عین مال را نزد خود توقیف و یا برای هزینه‌ها و مطالبات انجام شده به فروش برساند و این موضوع تفاوت و وجه تمایز قاعده (Lien) یا «حق توقیف مال» در حقوق آمریکا با «حق توقیف مال» در ایران می‌باشد. *شانی و مطاعات فرنگی*

فرهنگ حقوقی بلاک (Black's law Dictionary) که از منابع بزرگ حقوقی است «Lien - Liy (o)n» را این گونه تعریف می‌کند:

۱. ادعای هزینه یا تأمین یا رهن بر دارایی،

۲. ادعا یا توقیف مال برای پرداخت مقداری بدهی به خاطر انجام تعهد یا وظیفه،

۳. حق توقیف ملک که یک اعتباردهنده، در و یا بر روی ملک (معین) خاص بدهکارش دارد مانند تأمین کردن (آن ملک) برای برداشت طلب و یا نگهداری و یا برای اجرای بعضی عمل،

۴. حق و یا ادعا علیه بعضی منافع ملک که به عنوان یک لازمه قراردادی به وسیله قانون ایجاد شده است.

۵. حق اجرای هزینه بر دارایی دیگری برای تأدیه یا جبران بدهی یا ادعا،
 ۶. حق نگهداری مال (توقیف یا تأمین مال) برای تأدیه بدهی یا طلب،
 ۷. تأمین برای (دریافت) بدهی، انجام (وظیفه) یا سایر تعهدات،
 ۸. (پیمانی) که دارایی را مقید به یک بدهی یا ادعا برای جبران آن می‌کند،
 ۹. حق توقیف به وسیله اثر (نتیجه) قانون و آن در صورتی است که قانون بالصرفه بدون مقرر طرفین، حق تأمین مال را به عنوان یک مفهوم ضمنی یا نتیجه قانونی منبعث از رابطه طرفین و یا شرایط معاملات آنها فراهم می‌کند، این گونه «حق تأمین مال» ممکن است یا از قواعد «کامن لا»^{*} یا «انصاف»^{**} یا «قانون»^{***} ناشی شود، در مورد اول «حق تأمین مال طبق قاعده کامن لا»، در مورد دوم «حق تأمین و توقیف مال طبق قاعده انصاف» و در سومین مورد «حق توقیف مال به وسیله قانون» نامیده می‌شوند.
- اگرچه به نظر می‌رسد تعاریف متعددی که فرهنگ حقوقی بلاک از (Lien) یا «حق توقیف مال» در حقوق آمریکا نموده به یکدیگر نزدیک می‌باشند ولی از تمامی این تعاریف‌ها آنچه که (Lien) را در حقوق آمریکا متمایز می‌سازد و به مقصود نزدیک‌تر است (شق ۶)^{****} می‌باشد. یعنی حق نگهداری «تأمین و توقیف مال» برای تأدیه بدهی یا طلب. و همین مفهوم را نیز شرکت خواهان اصلی در پاسخ به این سؤال دادگاه که طبق قوانین ایالت کالیفرنیا ماهیت دقیق «حق توقیف مال» برای فروشنده چیست؟ را مد نظر قرار داده که به دلیل اهمیت موضوع و آشنایی بیشتر حقوقدانان ایرانی به یک اصل شناخته شده حقوقی حقوق آمریکا به اختصار به آن اشاره می‌کنیم.
- حق توقیف مال برای فروشنده اصطلاح محترمانه‌ای است که حقوقدانان قدیمی به کار می‌بردند و تا مدتی قبل یعنی تا زمان ورود و اجرای قوانین عمومی تجارت ایالات

- Common law.

- Equity.

- Statute.

**** - لازم به ذکر است که در فرهنگ حقوقی بلاک تعاریف (Lien) بدون قید شماره و شقوق آمده است و تقسیم‌بندی به شکل مذکور از ابتکارات نویسنده است. ضمناً خوانندگان می‌توانند برای دسترسی به اصل مطلب که به زبان انگلیسی است به صفحه ۹۲۲ فرهنگ حقوقی بلاک مراجعه کنند.

متحده حق توقیف مال برای فروشنده عملاً وجود داشت.

- طبق قانون معمول قبل از قوانین عمومی عنوان مالکیت اجناس ممکن است در بعضی موارد بدون تحویل اجناس به خریدار انتقال داده می‌شد. در پیروی از این مقررات بود که طبق شرایط فروش، قیمت می‌بایست در موقع تحویل پرداخت می‌شد و فروشنده حق داشت تا پرداخت بها، اجناس را نگاهدارد و این حق نگاهداری اجناس برای تضمین پرداخت تلقی می‌شد.

این حق توقیف مالی که بهای آن پرداخت نشده بود برای فروشنده طبق «کامن‌لا» و به موجب «قانون عمومی فروش» وجود داشته است.

وجود چنین حق توقیفی برای فروشنده با توجه به این بود که مالکیت اجناس به خریدار منتقل شود زیرا منطقی به نظر نمی‌رسید که شخص «حق توقیف مال» خود را داشته باشد، چنین حقی طبق «کامن‌لا» برای فروشنده به مثابه منافع مالی مخصوص در اجناس فروخته شده بود و با فروش محدود اجناس می‌توانست اعمال شود حتی در مواردی که فروش نسبی بود، اگر در پرداخت بها تخفیف داده می‌شد فروشنده اموال را نگاه می‌داشت و می‌توانست به توقیف اجناس برای تعیین بهای آن ادامه دهد.

- در قوانین عمومی تجارت و قوانین تجارت ایالت کالیفرنیا بخش‌هایی وجود دارد که مربوط است به غرامات فروشنده و دیگر از آنها به عنوان «حق توقیف مال فروشنده» ذکر نمی‌شود. معهدا غرامات فروشنده همان منظورها و اهداف را عملی می‌کند.

- قوانین عمومی تجارت و قوانین تجارت ایالت کالیفرنیا مفهوم «حق توقیف» اجناسی که قیمت آن پرداخت نشده را برای فروشنده، که در قوانین سابق وجود داشت متروک کرده ولی حفظ منافع تضمینی طبق قرارداد مجاز شناخته شده و به موجب ماده ۹ برای معاملات تضمینی به اجناس تعلق می‌گیرد.

- ولی قوانین عمومی تجارت اصولاً به همان نتایجی که قانون سابق رسیده بود، رسیده است و هر چند که مفهوم «توقیف مال» متروک گردیده این حق به صورت اجازه حفظ مالکیت در مورد اجناسی که خریدار بهای آنها را نپرداخته باقی است. بدون توجه به آن که عنوان مالکیت متعلق به کدامیک باشد.

- توقیف اجناس طبق «کامن‌لا» حق شخصی است در حفظ تصرف اجناسی که بعد

از انجام بعضی تقاضاهای آن شخص متعلق به دیگری خواهد بود. این حق به طور ضمنی از قانون ناشی می‌شود و از نص صریح قرارداد ناشی نمی‌شود و منحصرأ شامل اموال شخصی می‌شود و معمولاً برای استمرار اثرش مستلزم باقی ماندن جنس در تصرف متصرف است.

- «کامن‌لا» بعضی حقوق توقیف اجناس را برای اشخاصی مانند مسافرخانه‌داران، نعلبندان، باربران و انبارداران که طبق قانون در حرفه خود موظف به خدمت عامه هستند به رسمیت شناخته است و در موارد مختلف حق توقیف بعضی اجناس مخصوص و حفظ تصرف اموال اشخاص دیگر را برای تأمین پرداخت ذمه یا تعدی برای بعضی اشخاصی که کار و مهارت آنها ارزش اضافی به اجناس می‌دهد، منظور نکرده است. این اشخاص شامل هنرمندان، پیشه‌وران، تجار، مکانیسن‌ها و کارگرانی که اموال دریافت می‌کنند (گرچه مکلف به دریافت آنها نیستند) تا آنها را تعمیر کنند یا برای کرایه دادن تغییر و بهبود دهند نیز می‌شود، این اشخاص طبق «کامن‌لا» تا پرداخت حق الزحمه معقول کار و هزینه‌های آنها حق توقیف اجناس را دارند ولی طلبکاران حق توقیف و تصرف دارایی عمومی بدهکار خود را ندارند.

- قوانین مدنی کالیفرنیا مقرر می‌دارد که هر کس به تقاضای صاحب یا مالک قانونی از اموال شخصی شیئی را می‌سازد یا تغییر می‌دهد یا تعمیر می‌کند بابت حق الزحمه معقول کار انجام داده و مواد مصرفی حق توقیف آن جنس را تا پرداخت حق الزحمه و هزینه‌های متصرفی دارد. برای مثال اگر مال شخصی به کسی تحویل داده شود، خواه به منظور ساختن چیزی از آن مثل حلقه از طلا یا یراق اسب از چرم یا میز از چوب یا به منظور تغییر و تعمیر و بهبود آن، شخصی که به منظورهای مذکور فوق آن اشیا بنحو خاص در اختیار او قرار گرفته است در صورتی که خدمات تقاضا شده را انجام دهد بابت حق الزحمه خود تا زمانی که آن شیئی را در اختیار دارد حق توقیف آن را دارد. سوای اینکه این قسمت از قانون این حق را به هر کس که خدمات مذکور را انجام دهد تسری می‌دهد و روش اعمال این حق را تجویز می‌کند. این قسمت در قانون مدنی مبین مقررات «کامن‌لا» بوده و حق توقیف تابع مقررات رایج و متداول قانون عام می‌باشد.

مقایسه

آیا «حق توقیف مال» به معنا و مفهومی که در حقوق آمریکاست نمونه و مصادیق آن و یا حتی مفاهیم نزدیک به آن در حقوق ایران وجود دارد؟ با جستجو در حقوق ایران مواردی را می‌توان یافت که با «حق توقیف مال» یا (Lien) در حقوق آمریکا قرین باشد.

۱. در عقد بیع اگرچه طبق بند ۳ و ۴ ماده ۳۶۲ قانون مدنی، فروشنده ملزم به تسلیم مبیع به خریدار و خریدار ملزم به تأدیه ثمن به فروشنده می‌باشد ولی طبق ماده ۳۷۷ همین قانون هر یک از فروشنده و خریدار حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود «مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل (مهلت‌دار) باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود. مفهوم قسمت اول معلوم است فلذا چنانچه بین متعاملین زمانی برای تسلیم مبیع و یا پرداخت ثمن در عقد بیع قید نشده باشد به استناد این ماده قانونی فروشنده می‌تواند النهایه از تسلیم مبیع و خریدار هم از پرداخت ثمن خودداری کند و یا به عبارت دیگر فروشنده مبیع را «توقیف» و منوط به دریافت ثمن و خریدار هم ثمن را «تأمین و توقیف» و پرداخت آن را مشروط به دریافت مبیع کند.

۲. در استیفا - طبق ماده ۳۳۶ قانون مدنی ایران هرگاه کسی به موجب امر دیگری اقدام به عملی کند که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است. فرض کنیم تعمیرکار قصد تبرع نداشته و کار را برای اجرت آن انجام داده و شخص اتومبیل خود را برای تعمیر به تعمیرکار داده و تعمیرکار، اتومبیل را تعمیر کرده و مالک اتومبیل از پرداخت اجرت خودداری کرده است آیا تعمیرکار می‌تواند تا دریافت اجرت خود اتومبیل را توقیف و یا حتی برای جبران زحمت خود اتومبیل را به فروش رسانیده و اجرت خود را برداشت کند. از مفهوم ماده فوق چنین استنباطی حاصل نمی‌شود (یعنی تعمیرکار نمی‌تواند به بهانه دریافت اجرت، اتومبیل را توقیف و از بازپس دادن آنها به مالک خودداری و یا بدون قرار و حکم دادگاه اتومبیل را به فروش برساند).

تعمیرکار طبق حقوق ایران برای دریافت اجرت و یا فروش اتومبیل جهت تأمین طلب خود باید طبق قوانین ایران به دادگاه مراجعه و طبق قرار و دستور و حکم دادگاه عمل

کند.

۳. قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسیون‌ها مصوب سال ۱۳۱۲* - مضمون این قانون شباهت تامه به «حق توقیف مال» یا (Lien) در حقوق آمریکا دارد. زیرا قسمت نخست ماده ۱ این قانون مقرر می‌دارد: «صاحبان مهمانخانه‌ها و پانسیون‌ها و جاهای مانند آن حق دارند مادام که وارد یا مسافر بدهی خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و سایر چیزهایی که مصرف کرده‌اند نپردازد از خروج اشیا و ائانه متعلق به او معادل بدهی او جلوگیری کرده و در شهرها از مأمورین شهربانی و در خارج از شهرها از مأمورین ژاندارمری توقیف اشیا مذکور را تقاضا کند. (صرف نظر از اینکه این قانون بعد از انقلاب لغو گردید) چند نکته در این قانون مورد توجه است: یکی اینکه در این مورد خاص قانونگذار ایرانی به مهمانخانه‌ها این اجازه را داده که از خروج مال مسافر بدهکار جلوگیری کنند که در واقع باید این عمل را نوعی «توقیف مال به صورت موقت» طبق اراده و تصمیم مهمانخانه در صورت پرداختن کرایه از طرف وارد یا مسافر دانست. النهایه مهمانخانه برای «توقیف دایم» می‌بایستی از مأمورین کمک بطلبد. سوم اینکه حاصل و نتیجه در این ماده قانونی نامشخص و ناپیدا است. یعنی قانونگذار مشخص نکرده که اشیا توقیف شده به چه نحوی به تملک مهمانخانه درآید که در این مورد با توجه به شأن نزول این ماده قانونی که ظاهراً حفظ حقوق مهمانخانه‌ها در برابر افراد وظیفه‌ناشناس و کلاهبردار و زورگو بوده است، باید «توقیف مال» را پس از استعانت از مأمورین انتظامی به منزله اختتام کار و تملک آنها به مهمانخانه دانست، مگر اینکه وارد یا مسافر با مراجعه به دادگاه خلاف آن را اثبات کند.

۴. ماده ۳۸۴ قانون تجارت (قرارداد حمل و نقل) مقرر می‌دارد که اگر مُرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و یا سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تأدیه نشود و یا به مُرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگاهداشته

* - مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی - گردآوری و تدوین توسط غلامرضا حجتی اشرفی و غلامعلی امیری (وکیل دادگستری) انتشارات گنج دانش - سال ۱۳۵۷ - ص ۷۹۳ - این قانون تا آنجا که نویسنده به یاد می‌آورد اوایل انقلاب نسخ گردید.

یا نزد شخص ثالثی امانت گذارد و طبق ماده ۳۶۲ قانون مازالذکر اگر بیم ضایع شدن آن اشیا برود و یا منافع آمر (ارسال کننده) ایجاد کند با اطلاع دادستان مال التجاره باید به فروش برسد. در اینجا چند قضیه مشهود است یکی «توقیف مال به طور امانی» نزد متصدی حمل و نقل و دیگری مداخله مقام قضایی (دادستان) برای تجویز فروش اموال و سهم ناتمام ماندن نتیجه (طبق معمول)، یعنی اینک متصدی حمل و نقل چگونه باید اجرت و حق الزحمه کار خود را دریافت کند که البته یا باید از راه سازش با ارسال کننده کالا به حق الزحمه خود برسد و یا با نظر مقامات قضایی (دادستان و یا دادگاه) نسبت به وصول اجرت خود اقدام کند.

علیهذا همانطور که پیش از این نیز اشاره کردیم، مداخله مقامات قضایی در ارتباط با استیفای حقوق عامل یا طلبکار وجه تمایز و تفاوت «حق توقیف مال» در حقوق ایران و (Lien) در حقوق آمریکا می باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی